

بیمه عدم‌النفع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق انگلستان

دکتر حمید بهرامی احمدی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۳/۰۷

دکتر مسیح ایزدپناه^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۰۳

مسعود زارع رشکوئی^۳

چکیده

بیمه عدم‌النفع یکی از انواع بیمه‌های زیان پولی است که در آن، موضوع تعهد بیمه‌گر، پرداخت وجه نقد معینی - متناسب با زیان وارد به بیمه‌گذار بر اثر وقفه در جریان تولید - به علت خسارت مادی است. چنانچه بر اثر خسارت مادی، وقفه‌ای در جریان تولید یک بنگاه صنعتی پیش آید، بیمه‌گر عدم‌النفع، درآمد و سود ازدست‌رفته ناشی از توقف تولید را براساس شروط قرارداد بیمه عدم‌النفع جبران می‌کند. ضمناً آن بخش از هزینه‌هایی که بیمه‌گذار، اضافه بر توقف تولید تحمل کرده است را نیز جبران می‌نماید.

این مقاله، بررسی این نوع بیمه است که در دو مبحث عدم‌النفع، مبانی و شرایط آن و بیمه عدم‌النفع، انعقاد و انواع آن ارائه شده است. البته در جای‌جای این مقاله به مطالعه مباحث فوق در فقه امامیه و حقوق انگلستان پرداخته شده است. در پایان نیز با بیان علل عدم‌رشد بیمه عدم‌النفع، راهکارهای توسعه آن

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده حقوق (Email: Mohammad.bahramy@gmail.com)

۲. استاد دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده حقوق

۳. کارشناس ارشد حقوق خصوصی و پژوهشگر دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده حقوق

(Email: Zrmasoud@Yahoo.com)

بیان شده است.

واژگان کلیدی: عدم‌النفع، خسارت، بیمه‌گر، بیمه‌گذار، فقه امامیه، حقوق نگلستان،

صنعت بیمه

۱. مقدمه

بیمه زیان پولی در واقع، بیمه‌ای است که موضوع آن، تضمین جبران زیان‌های پولی غیرمادی بیمه‌گذار، مانند ازدست‌دادن درآمد، سود، اجاره‌بها و یا کاهش ارزش پولی است. در حالی که موضوع بیمه اشیاء، شیء مادی عینی و ملموس است. بیمه زیان پولی به سه نوع عمده «بیمه اعتبار»، «بیمه تضمین» و «بیمه عدم‌النفع» تقسیم می‌شود. برخی، بیمه صداقت و امانت کارکنان را نیز از جمله بیمه‌های زیان پولی به شمار آورده‌اند (کریمی، ۱۳۷۸).

بیمه عدم‌النفع، نوعی از بیمه زیان پولی است که در آن، موضوع تعهد بیمه‌گر، پرداخت وجه نقد معینی - متناسب با زیان وارد به بیمه‌گذار بر اثر وقفه در جریان تولید - ناشی از خسارت مادی، مثل آتش‌سوزی است. اگر بر اثر خسارت مادی، وقفه‌ای در جریان تولید یک بنگاه اقتصادی یا صنعتی پیش آید، بیمه‌گر، درآمد ازدست‌رفته ناشی از توقف تولید را براساس شرایط بیمه عدم‌النفع جبران می‌کند. علاوه بر جبران درآمد فوت‌شده، بیمه‌گر، آن بخش از هزینه‌هایی که بیمه‌گذار اضافه بر توقف تولید تحمل کرده است را جبران می‌کند. خسارت وقفه در تولید، شامل جمع میزان سود ازدست‌رفته و مخارج جاری است. بیمه عدم‌النفع، زیان ناشی از توقف تولید برای مدت مشخصی، مثلاً ۶ ماه، ۱۲ ماه، ۱۸ ماه و حتی ۲۴ ماه پس از وقفه تولیدی تا زمان شروع فعالیت مجدد واحد بیمه‌شده را جبران می‌کند.

۲. عدم النفع

۲-۱. تعریف عدم النفع

نائینی (۱۴۱۸) در تعریف ضرر می‌نویسد: «... اگر مال یا عضوی از اعضای انسانی صدمه بخورد یا ناقص شود یا شخص بمیرد یا به آبروی او، لطمه وارد آید - خواه این لطمه و آسیب با اراده کسی وارد آمده باشد یا بدون اراده - در همه این موارد، ضرر وجود دارد، بلکه بر حسب عرف عدم النفع هم در صورتی که موجبات و مقدمات نفع کامل شده باشد، ضرر محسوب می‌شود».

به هر حال، جلوگیری از تحصیل منافع مشروع که تمامی مقدمات و موجبات آن تکمیل گردیده و مقتضای پدید آمدن آن، تمام گشته است، یک تعدی محسوب می‌شود که نمی‌تواند ضمان آور نباشد. عدم شناخت مسئولیت در جبران عدم النفع محقق الحصول به نظر ما، مباح تلقی کردن تعدی نسبت به افراد جامعه است.

جعفری لنگرودی (۱۳۷۲)، عدم النفع را چنین تعریف می‌کند: «مانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضای وجود آن حاصل شده است، مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد».

۲-۲. انواع عدم النفع

۲-۲-۱. عدم النفع محقق

عدم النفع محقق در واقع، نفعی است که مقتضای حصول آن محقق شده است و چنانچه فعل زیانبار به وقوع نپیوندد، آن منفعت، حتماً به دست می‌آید؛ از این رو، عدم تحصیل منفعت، منحصرأ معلول فعل زیانبار است که قطعاً موجب ضمان است، مثل آنکه شخصی، کارگر یا صنعتگری را زندانی کند و مانع کار و درآمد وی شود یا اینکه کسی، وسیله منحصر کار او را ضبط نماید و به این علت، مالک از کسب و درآمد معینی در مدت خاصی محروم شود.

جعفری لنگرودی (۱۳۷۲) در این زمینه به ضرر آینده و ضرر مسلم اشاره می‌کند و می‌نویسد که منظور از ضرر آینده، آن ضرر مادی است که در آینده، حتماً واقع خواهد شد، مانند اینکه راننده‌ای، عابری را طوری مصدوم کند که قدرت کار از او سلب شود و از او طفلی در رحم زوجه‌اش باشد. در این صورت، نفقه طفل، خسارت آینده و ضرر آتیه است که طبق ماده ششم قانون مسئولیت مدنی، راننده باید خسارت وارده را بپردازد. وی در تعریف ضرر مسلم آورده است: «این‌گونه ضرر، ضرری است که از جهت تخلف از تعهد به متعهدله وارد می‌شود، مثلاً تاجری سفارش دهد که کالائی به قیمت معین برای او تهیه شود و متعهد تهیه نکند و تاجر آنرا به قیمت بیشتر خریداری کند، مابه‌التفاوت قیمت سفارش داده‌شده و قیمت خریداری‌شده، ضرر مسلم است».

به نظر می‌رسد که عرف عقلاء در مفاهیم اقتصادی امروز، تردید زیادی در این امر نداشته باشد که وضعیت منافع آتی افراد و درآمدهایی که موجبات حصول آنها فراهم شده است در ارزیابی وضعیت اقتصادی و توانایی مالی وی مؤثر است، حتی در مواردی که بانک‌ها می‌خواهند به کارمندی وام بدهند، بیش از آنکه به اثاث منزل یا جواهرات او توجه کنند، به وضعیت استخدامی و میزان حقوقی که در آینده خواهد گرفت، دقت می‌کنند و تصور نمی‌شود که تردیدی وجود داشته باشد که ضرر به منافع حتمی‌الحصول، موجب مسئولیت است (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶).

لازم به تذکر است که مقصود از مسلم بودن منافع، چه در مورد طبیعت منفعت و چه درباره میزان آن، رسیدن به یقین نیست، بلکه ظن قوی، کافی است. احتمالی که عرف، آنرا یقین می‌شمارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

۲-۲-۲. عدم‌النفع محتمل

تحصیل این نوع منافع، بستگی به تحقق عوامل و شرایط متعددی دارد و این‌گونه نیست که اگر فعل زیانبار به وقوع نپیوندد، حتماً منافع مورد انتظار به‌دست آید. به‌عبارت‌دیگر، فعل زیانبار، علت منحصر از بین رفتن این‌گونه منافع نیست، بلکه

حاصل نشدن آن ممکن است ناشی از عدم تحقق شرایط و عوامل دیگری باشد که برای پیدایش آن منافع لازم بوده‌اند. در این مورد، فاعل، ضامن منافع تقویت شده نیست؛ زیرا، بین فعل وی و عدم تحصیل منافع، رابطه علیت وجود ندارد و اگر فرضاً فعل مورد نظر انجام نمی شد به دست آمدن منافع، محتمل بوده است؛ لذا، نمی توان تقویت آن را منحصرأ متوجه فاعل نمود. زبانی که ایجاد و وقوع آن محتمل است، ضرر محتمل الوقوع نامیده می شود و آن ضرری است که فعلاً وجود ندارد و وجود آن در آینده هم برای متعاملین حتمی نیست و فقط در صورتی که محقق شود قابل مطالبه خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۰). مثالی که در این مورد، می توان آورد این است که عینک سازی، عینک مشتری را به موقع تحویل ندهد و مشتری مدعی شود که به علت فقدان عینک، روزنامه را نتوانسته مطالعه کند و جدول معما را حل نکرده است و در نتیجه از جایزه نفیس آن محروم گردیده است.

نتیجه اینکه، عدم النفع به معنای اعم، شامل تقویت منافع محقق و منافع محتمل می شود و صرفاً منافع فوت شده محقق قابل جبران است؛ بنابراین در این مقاله، عدم النفع را به معنای اخص آن در نظر گرفته و ضمان آور می دانیم. پس عدم النفع به معنای اخص، ضرری است که به جهت محروم ماندن شخص از منفعت و فایده قطعی و مسلم الحصولی است که انتظار دارد به او برسد.

۲-۳. حکم عدم النفع از منظر فقه امامیه

طباطبائی (۱۴۱۴)، بین منافع محقق الوقوع و غیر آن تفاوت گذاشته است. بدین توضیح که اگر برای مدتی که شخص در حبس است عادتاً اجرتی باشد، به صورتی که اگر او حبس نمی گردید، این منافع حاصل می شد، چنین حبسی سبب تقویت منفعت گردیده و تعهد به جبران خسارت در این فرض وجود دارد. مراغه ای (۱۴۱۸) در کتاب العناوین می نویسد: «چیزهای متعلق به مکلف، نظیر مال، منافع و حق، خواه بالفعل موجود باشد یا بالقوه - یعنی اگر مانعی پیش نیاید، شأن و

مقتضای آن‌ها پیدایش است - آیا در این مورد ضرر محقق می‌شود؟ می‌گوئیم در خصوص آنچه مال است، بلاشک ضرر صدق می‌کند. این در جایی است که موجودیت بالفعل باشد و اما آنچه بالقوه است، مانند میوه باغ و منفعت سایر املاک نیز، همین حکم را دارد. آنچه عرفاً موجب نقص در عین یا منفعت است، بدون شک ضرر است و اقدام فاعل، اضرار است».

نائینی (۱۴۱۸) می‌گوید: «ضرر عبارت است از فوت آنچه انسان آنرا واجد است، خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح»؛ او فوت منفعتی را که موجباتش کامل نشده، ضرر نمی‌داند و در مقابل، فوت منفعتی را ضرر می‌شمارد که موجبات آن کامل شده است.

محقق داماد (۱۳۸۲) نیز ضمن ضمان آور دانستن خسارت عدم‌النفع معتقد است: «اولاً، چنانچه به موجب قانون، شخص مجرم زیان رساننده، ملزم به پرداخت خسارت ناشی از جرم نگردد، این امر، زینتی است که مقنن به فرد زیان‌دیده وارد ساخته است و چون ورود ضرر منتسب به مقام تشریح می‌گردد به موجب قاعده لاضرر و لاضرار، برائت ذمه مجرم منتفی است و به پرداخت خسارت محکوم خواهد شد. ثانیاً، مال چیزی است که عقلاء در مقابل آن، مال پرداخت کنند و بی‌گمان نیروی بالقوه کار انسان در بازار اقتصاد با پول مبادله می‌شود و اعتبار مالیت آن، نیازی به استیفاء و یا انعقاد قرارداد ندارد».

۲-۴. حکم عدم‌النفع از منظر حقوق ایران

۲-۴-۱. جبران خسارت عدم‌النفع پیش از تصویب قانون آ.د.م (۱۳۷۹)
محاکم ایران تا قبل از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی در ارتباط با خسارت عدم‌النفع به ماده ۳۷ قانون تسریع محاکمات، مصوب تیرماه ۱۳۰۹ و نیز ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات، مصوب ۱۳۱۰ استناد می‌کردند.

ماده ۳۷ قانون تسریع محاکمات اشعار می‌داشت: «دعاوی که موضوع آن، استرداد است و مدعی، مطالبه اجرت‌المثل یا خسارت ناشی از تنزل قیمت می‌نماید و همچنین، مواردی که موضوع دعوی، وجه نقد نیست، محکمه، میزان خسارت را پس از محاکمه رسیدگی و معین می‌کند».

اما، ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات به‌طور روشن و صریح به عدم‌النفع اشاره داشت. ماده مزبور بیان می‌کرد: «در مورد خسارات‌هایی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزایی در دعاوی مربوط به اختراعات و علائم تجارتي مطالبه می‌شود، خسارات‌ها، شامل ضررهای وارد و منافی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است».

البته عده‌ای به استناد قانون مدنی و به علت ارجاع امور به عرف در قانون مزبور، مطالبه عدم‌النفع را به استناد قانون مزبور نیز موجه می‌دانستند. به‌طورمثال عدل (۱۳۷۳) می‌نویسد: «کلمه خسارت هم شامل ضرر حقیقی و هم شامل عدم‌النفع است... هرگاه عدم انجام یا تأخیر در انجام تعهد، مستند به متعهد باشد، مشارالیه باید از عهده هر منفعتی که از متعهدله تفویت نموده است برآید؛ زیرا، از یک‌طرف در هیچ یک از مواد قانون مدنی، عدم شمول کلمه خسارت به منافع غیرحاصل، تصریح نشده است و از طرف دیگر، متعارف بودن امری در عرف و عادت به‌طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله تصریح آن است. پس در مواردی که عرف، منافع غیرحاصل را جزء منافی تشخیص بدهد که متعهد به‌واسطه عدم انجام تعهد و یا تأخیر در اجرای آن از متعهدله تفویت کرده است باید منافع مزبور، جزء خسارت منظور شده و متعهد به جبران آن محکوم گردد».

متعاقباً، قانون آئین دادرسی مدنی در ماده ۷۲۸، عدم‌النفع را از اقسام خسارت دانست و چنین مقرر داشت: «... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است».

برخی معتقدند با توجه به مخالفت برخی از فقهاء با عدم‌النفع، باید گفت: قانون به طور استثنائی، خسارت عدم‌النفع ناشی از اجرای تعهدات و قراردادها را به رسمیت شناخته است و این منع، شامل خسارت عدم‌النفع به صورت مطلق در تمامی مسئولیت‌ها نیست؛ چرا که ماده ۳۱۲ قانون مدنی، عدم‌النفع را به رسمیت نشناخته، اما در مقابل می‌توان به ماده ۳۰۹ قانون مدنی اشاره کرد که بیان می‌کند: «هرگاه شخصی مانع مالک از تصرف در مال خود شود، بدون آنکه خود، تسلط بر آن پیدا کند، غاصب محسوب نمی‌شود؛ ولی در صورت اتلاف یا تسبیب، ضامن خواهد بود».

مطابق ماده فوق، می‌توان استدلال کرد که خسارت عدم‌النفع به علت اتلاف یا تسبیب قابل مطالبه است. به عبارت دیگر، علی‌رغم مخالفت مشهور فقهاء با عدم‌النفع، قانون مدنی، نظر اقلیت فقهائی که عدم‌النفع را ضرر می‌دانند، پذیرفته است و این حکم کلی قانون مدنی است، اما حکم ماده ۳۱۲ قانون مدنی، استثناء است و در مقابل حکم کلی ماده ۳۰۹ قانون مدنی، تاب ایجاد یک حکم کلی را ندارد و باید در همان محدوده ماده ۳۱۲ قانون مدنی اعمال گردد.

با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹، مقنن از مسئله عدم‌النفع غافل نبود و در ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشت: «... در صورت مرگ آسیب‌دیده، زیان، شامل کلیه هزینه‌ها، مخصوصاً هزینه کفن و دفن است. اگر مرگ فوری نباشد، هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کارکردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد» در ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی در سال ۱۳۳۹ نیز عدم‌النفع تحت عنوان منافع ممکن‌الحصول به رسمیت شناخته می‌شود. «... بند ۲ منافی که ممکن‌الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود» منطوق این ماده در قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ نیز عیناً در بند ۲ ماده ۹ پیش‌بینی شده است.

۲-۴-۲. جبران خسارت عدم‌النفع پس از تصویب قانون آ.د.م (۱۳۷۹)

ماده ۲۶۷ آئین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «... ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی نیز می‌گوید: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». دو ماده مزبور، مصوب قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ هستند. حال پرسش این است که آیا در حال حاضر، عدم‌النفع قابل مطالبه هست یا خیر؟

چنانچه می‌دانیم، منافع ممکن‌الحصول یا ضرر عدم‌النفع خسارتی مربوط به آینده است. در مورد چنین خسارتی با توجه به اصطلاح «ممكن الحصول» که مانند ترازویی است با دو کفه مساوی باید توضیح داد که منافع مزبور به همان نسبت که امکان تحقق دارند به همان نسبت هم، امکان عدم تحقق را دارند؛ بنابراین، شرایطی لازم است که یکی از دو کفه ترازو را بر دیگری برتری دهد. این شرایط، گاه کفه عدم ایجاد نفع و گاه کفه ایجاد و تحقق منفعت را سنگین می‌کند. این امر نیز با توجه به سیر عادی و رویه متعارف امور حدس زده می‌شود. از آنجایی که حقوق از عرفیات است، هرگاه سیر عادی و رویه متعارف امور، تحقق و ایجاد نفعی را محقق بدانند، آن نفع از نظر حقوق، مسلم و محقق فرض می‌گردد.

حال با این توضیح باید اذعان داشت که ماده ۵۱۵ و نیز ۲۶۷ قانون آئین دادرسی مدنی، ناظر به کفه عدم تحقق و عدم ایجاد نفع است؛ یعنی در بردارنده خسارات‌های احتمالی است که بر طبق رویه متعارف امور، قابل تحقق نیستند. با توجه به این امر در جمع بین دو ماده فوق و دیگر قوانین گفته شده است که ظاهر عبارت تبصره ۲ ماده ۵۱۵ مذکور نسبت به نوع منافع در عدم‌النفع اطلاق دارد (خسارت عدم‌النفع)، معنای این اطلاق ظاهراً آن است که خواه منافع ممکن‌الحصول باشد، خواه نباشد، مطالبه خسارت امکان ندارد.

بر فرض آنکه چنین اطلاقی صحیح باشد و با توجه به مقدمات حکمت، چنین ظهوری منعقد شده باشد، این حکم در مقابل احکام مقید دیگری مانند بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری قرار می‌گیرد که عدم‌النفع را در مواردی که منافع، ممکن‌الحصول بوده، قابل مطالبه دانسته است. از آنجا که فسخ کلی، خلاف اصل است و تعارضات را در حد امکان باید جمع نمود (تخصیص و تقييد...) بنابراین در دو حکم مطلق و مقید - ولو آنکه در اثبات و نفی تفاوت داشته باشند - مطلق، حمل بر مقید می‌گردد. به این معنا که عبارت خسارت عدم‌النفع در تبصره مذکور بر منافع غیر ممکن‌الحصول حمل می‌گردد نه مطلق عدم‌النفع.

به نظر می‌رسد با عنایت به مقررات مختلف، خصوصاً بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری که در مدت‌زمان کوتاهی قبل از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی تصویب شده است، اراده قانونگذار در تبصره اخیر به انواع معینی از عدم‌النفع، یعنی عدم‌النفعی که منافع در آن عرفاً ممکن‌الحصول نیست، تعلق گرفته باشد (ره پیک، ۱۳۸۱). در این صورت، ماده ۵۱۵ و ۲۶۷ قانون آئین دادرسی مدنی، محدود به منع مطالبه خسارات احتمالی است که بنا به سیر عادی و رویه متعارف امور محقق نخواهد شد.

۳. بیمه عدم‌النفع

۳-۱. تعریف بیمه عدم‌النفع

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، در بیمه عدم‌النفع موضوع تعهد بیمه‌گر، پرداخت وجه نقد معینی - متناسب با زیان وارد به بیمه‌گذار بر اثر وقفه در جریان تولید - ناشی از خسارت مادی است که خسارت وقفه در تولید، شامل جمع مبلغ سود ازدست‌رفته و مخارج جاری است (کریمی، ۱۳۸۲). تعیین میزان خسارت، یک امر حسابرسی است. بدین صورت که بیمه‌گر، فعالیت یک سال بلافاصله قبل از توقف تولید را مبنای محاسبه خسارت برای مدتی که متعهد

جبران زیان است، قرار می‌دهد. همین امر، نقطه ضعف این رشته است؛ ممکن است بیمه‌گذاری که در سال گذشته، تولید مطلوبی داشته و از فعالیت خود سود سرشاری برده است و اکنون با رکود بازار مواجه شده و رقبای جدید، کالاهای مرغوب‌تر و با قیمت ارزان، روانه بازار کرده‌اند، وسوسه شود که با حادثه عمدی، فعالیت خود را متوقف کند. اثبات عمدی بودن ایجاد حادثه برای توقف تولید، بسیار دشوار است. در بازارهای اروپا و آمریکا که رقابت شدیدی در تولید وجود دارد، حوادث عمدی برای استفاده از مزایای بیمه عدم‌النفع متداول است.

در بیمه عدم‌النفع، مدت‌زمانی هم به نام «دوره انتظار»، منظور می‌شود که سهم بیمه‌گذار از خسارت با توافق طرفین قرارداد است. حق بیمه قرارداد هم با توجه به دوره انتظار تعیین می‌شود. اگر واحد بیمه‌شده در طی دوره انتظار بازسازی شد و به تولید ادامه داد، بیمه‌گر، تعهدی نخواهد داشت؛ ولی چنانچه دوره انتظار بازسازی شد و به بازسازی و تعمیرات هنوز ادامه داشت، بیمه‌گر بعد از سپری شدن این مدت برای مدت معینی که تعهد کرده است سود، و مخارج ناشی از توقف تولید بیمه‌گذار را جبران می‌کند.

۲-۳. تاریخچه بیمه عدم‌النفع

آغاز فعالیت بیمه عدم‌النفع را باید بعد از جنگ جهانی اول جست‌وجو کرد. تا این زمان، فقط خطر آتش‌سوزی، بیمه می‌شد و خسارتی که واحد تولید کننده صنعتی از بیمه‌گر دریافت می‌کرد تقریباً برای ادامه فعالیت تولیدی کافی به نظر می‌رسید. بعد از جنگ جهانی اول معلوم شد که خسارت پرداختی در رشته آتش‌سوزی برای ادامه حیات واحدهای صنعتی کافی نیست. برخی از واحدهای تولیدی که از مراکز اعتباری و بانک‌ها وام گرفته بودند، با توقف فعالیت، نه تنها محصولی تولید نمی‌کردند بلکه فشار پرداخت اقساط وام‌ها نیز بر دوش آن‌ها سنگینی می‌کرد. این مشکلات به اضافه نیاز تولیدکنندگان به وام، موجب شد که تولیدکنندگان صنعتی، چاره کار را در بیمه

عدم‌النفع جست‌وجو کنند. مشکل بیکاری کارگران و کارمندان مؤسسه تعطیل شده نیز که به هر حال، حقوق آن‌ها باید پرداخت می‌شد، وجود داشت. صاحب کارخانه که حاضر نبود کارگران با تجربه خود را که مدت‌های طولانی برای او کار کرده‌اند از دست بدهد، مجبور می‌شد بی‌آنکه تولیدی داشته باشد، حقوق و دستمزد آن‌ها را بپردازد. همه این عوامل، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بیمه‌گران، بیمه عدم‌النفع را به مشتریان عرضه کنند (کریمی، ۱۳۷۹).

۳-۳. اهمیت بیمه عدم‌النفع

وابستگی فرآیند تولید به انرژی و همچنین رایانه‌ای شدن کلیه بخش‌های صنعتی و وابسته، می‌تواند دامنه خطر را افزایش دهد و در صورت بروز هر حادثه، وقفه‌ای طولانی در روند تولید ایجاد کند. گسترش فضای رقابتی و حرکت در این مسیر به واسطه پیشرفت تکنولوژی، عرصه رقابت را تشدید می‌کند و فعالان اقتصادی را با چالش‌ها و تدابیر خاصی مواجه می‌نماید و ظهور و بروز فضاها و مجازی و گسترش تکنولوژی به واسطه نیروهای متخصص، خطرات دیگری را به وجود می‌آورد که توجه به آن‌ها برای مدیران و بالاخص مدیران ریسک، بسیار حائز اهمیت است.

معرفی و بیان مبانی اصولی و کلی حاکم بر این بیمه‌نامه با توجه به نقش و اهمیت این پوشش در فرآیند تولید که می‌توان از آن به‌عنوان امنیت تولید نیز یاد نمود برای بیمه‌گذاران، بالاخص فعالان اقتصادی، بسیار حائز اهمیت است و پرداختن به آن برای بیمه‌گران و شرکت‌های بیمه به یقین ضرورت توجه به این نوع پوشش بیمه‌ای را بیش‌ازپیش مطرح می‌سازد. رشد و شکوفایی این نوع بیمه‌نامه، ارتباط فعال و مؤثر سه بخش اساسی صنعت به‌طورکلی و صنعت بیمه به‌طورخاص و مجامع علمی را می‌طلبد؛ زیرا، شناسایی دقیق و مؤثر اجزا و مراحل تولید در هر بخش اقتصادی، اعمال شرایط نرخ‌گذاری و تدوین سیاست‌های بیمه‌ای در این خصوص در کنار تحقیقات و مطالعات کاربردی و جمع‌آوری اطلاعات و آمار و تجربیات سایر

کشورها، می‌تواند کمک بسزایی در توسعه و رشد این‌گونه بیمه‌نامه‌ها باشد که تحقق آن، منوط به تلاش و مساعدت کلیه بخش‌های ذکر شده است و بدون این همکاری، یقیناً نتیجه مطلوب به‌وجود نخواهد آمد (جلالی، ۱۳۸۴).

۳-۴. مزایای بیمه عدم‌النفع

بیمه عدم‌النفع، علاوه بر تأمین بیمه‌ای، می‌تواند برای بیمه‌گذاران، محاسن متعددی ایجاد کند که مزایای آن را به شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

- حفظ امنیت تولید برای بیمه‌گذاران با دراختیارداشتن این پوشش بیمه‌ای مهیا می‌شود.
- امکان حفظ و تأمین نیروی ماهر و متخصص در هنگام بروز وقفه در جریان تولید برای کارفرمایان ایجاد می‌شود.
- افزایش اعتبار بیمه‌گذاران در قبال مؤسسات مالی و اعتباردهنده با خرید این پوشش بیمه‌ای حفظ می‌گردد.

- داشتن این پوشش، سبب کاهش ریسک و تقلیل خسارت برای بیمه‌گذار می‌شود، به‌طوری‌که در مراحل ارزیابی، راه‌های کاهش خطر مشخص می‌شود و با اعمال آن، دامنه ریسک می‌تواند کاهش یابد.

- از آنجا که انتقال ریسک به‌عنوان یک روش رایج در واکنش به ریسک مطرح است، از این‌رو بیمه عدم‌النفع را می‌توان از جمله این روش‌ها دانست که با طرح احتمال وقوع وقفه و زیان‌های پولی ناشی از آن، توجه به این نوع پوشش با اهمیت‌تر می‌گردد و می‌تواند افزایش تقاضا برای این بیمه‌نامه را در برداشته باشد.

- عاملی در جهت جذب سرمایه و اعتبار محسوب می‌شود.

۳-۵. علل توسعه‌نیافتگی بیمه عدم‌النفع

پاره‌ای از آنچه که به‌عنوان دلایل عدم استقبال از این نوع بیمه‌نامه مطرح است را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

- فقدان مدیریت ریسک در واحدهای صنعتی به صورت مجزا و مستقل

- عدم شناخت کافی از این بیمه‌نامه و شرایط عمومی و اختصاصی آن
- تشخیص دشوار نرخ بیمه و نوسان در نحوه ارزیابی خطر و شناسایی آن
تجربه حرفه بیمه‌گری نشان می‌دهد که بیمه‌گری که در ارائه طرح‌های نوین بیمه‌ای پیش قدم می‌شود در رقابت موفق‌تر است. متأسفانه مشکلی که در بازار بیمه‌ای ما احساس می‌شود، این است که بر رشد و توسعه کمی اهتمام ورزیده می‌شود، ولی در رشد و توسعه کیفی، ملاحظه درخوری صورت نمی‌گیرد و طرح‌های بیمه‌ای نو که با مسائل اقتصادی روز همخوان باشد، کمتر ارائه می‌شود؛ لذا، صنعت بیمه از این نظر، خلاء بسیاری دارد و از ظرفیت‌های بازار استفاده نمی‌کند. هر چند پذیرفتنی است که ارائه طرح‌های جدید بیمه‌ای، کار ساده و آسانی نیست، ولی به هر حال باید به دنبال نیازهای بیمه‌ای جدید جامعه رفت و خواسته‌های جامعه بیمه‌گذاران را تشخیص داد.

۳-۶. اقسام بیمه عدم‌النفع در حقوق انگلستان

۳-۶-۱. بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی

آسیب‌دیدگی ماشین‌آلات، خود به تعمیر یا جایگزینی قطعات منجر می‌شود و چنانچه انبارهای کارخانه دچار حریق شود، باید این آسیب‌دیده‌گی به حالت قبل از آتش‌سوزی برگردد. بعضاً ماشین‌آلات آسیب‌دیده، نیازمند قطعاتی است که لازم است از خارج کشور تأمین گردد از این رو، ممکن است کارخانه تولیدکننده چنین قطعات انحصاری در خارج، تولید خود را متوقف کرده باشد و از این رو، لازم باشد برای هر قطعه، سفارش ویژه‌ای داده شود. جمع این هزینه‌ها، خسارتی هنگفت است. تشریفات اداری تأمین ارز برای واردات قطعات و نوسان نرخ ارز خود مزید بر علت است. هر چند ممکن است که تعمیر ساختمان یا تجدید بنا و جایگزینی قطعات و ماشین‌آلات، بلافاصله بعد از وقوع حادثه شروع گردد ولی آغاز تولید و فعالیت عادی واحد بیمه‌شده مدتی به طول می‌انجامد. در این مدت، گردش عادی کار متوقف می‌شود و

مسلماً زیانی از این بابت به آن واحد وارد می‌شود که این خسارت، موضوع پوشش بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی است (کریمی، ۱۳۷۱).

بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی، زیان ناشی از توقف فعالیت بر اثر آتش‌سوزی را برای مدت مشخصی تا زمان شروع فعالیت مجدد واحد بیمه‌شده جبران می‌کند. این خسارت، جمع مبلغ سود ازدست‌رفته و مخارج جاری آن واحد تولیدی است. میزان حق‌بیمه پوشش بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی بر حسب نرخ بیمه آتش‌سوزی محل مورد بیمه و مدت‌زمانی که بیمه‌گذار مایل است از پوشش بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی استفاده نماید، متغیر است. بیمه‌گر، متعهد است که بیمه‌گذار را از نظر مالی در موقعیتی قرار دهد که در صورت عدم تحقق خطر، جریان تولید با همان روند عادی ادامه داشت.

در صورتی که بیمه‌گذار بتواند فعالیت خود را در ساختمان‌های موقت و یا در کارخانه‌های دیگر ادامه دهد، این امر، مستلزم صرف هزینه‌های اضافی است که ممکن است براساس شرایط قرارداد بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی پوشش بیمه‌ای داشته باشد. هزینه کارشناسان برای برآورد خسارت و تنظیم حساب‌ها نیز جزء پوشش‌های بیمه عدم‌النفع آتش‌سوزی است.

۲-۶-۳. بیمه عدم‌النفع ماشین‌آلات

همان‌طوری که از مفهوم بیمه عدم‌النفع استنباط می‌شود، این نوع بیمه، اثرات تبعی وقوع حوادث فیزیکی و غیرقابل پیش‌بینی برای تجهیزات و ماشین‌آلات انواع واحدهای تولیدی و صنعتی، نظیر ماشین‌آلات تولیدی محصولات غذایی، نساجی، سیمان و مصالح ساختمانی، پتروشیمی، پالایشگاه‌های نفت و گاز، نیروگاه‌های برق و انرژی و... را پوشش می‌دهد. چنانچه حوادثی برای ماشین‌آلات و تجهیزات اتفاق افتد، ممکن است مدت‌زمان زیادی صرف تعمیر یا تعویض شود؛ لذا، تأمین کلیه

هزینه‌های مربوط به همراه سود ازدست‌رفته واحد تولیدی، تحت پوشش این بیمه‌نامه قرار می‌گیرد (ملکوتی، ۱۳۸۴).

برای این که خسارت ناشی از حادثه‌ای قابل جبران باشد، مهم نیست که ماشین‌آلات، روشن یا خاموش باشند بلکه پیش‌شرط تعهد بیمه‌گران برای جبران خسارت این است که کلیه ماشین‌آلات از قبل، آزمایش و راه‌اندازی شده باشند و بیمه‌گر از صحت و سلامت ماشین‌آلات جهت تولید و بهره‌برداری اطمینان حاصل کرده باشد (میهن‌یار، ۱۳۶۶). بعضاً اتفاق می‌افتد که بیمه‌گذار مجبور است هزینه‌هایی را برای جلوگیری از کاهش برگشت سرمایه در اثر حوادث و اتفاقات رخ داده در خلال دوره جبران غرامت، متحمل شود. این هزینه‌ها، معقول و زیربنای سود ناخالص است که هم برای بیمه‌گر و هم برای بیمه‌گذار، مقرون به صرفه است و چنانچه چنین هزینه‌هایی صورت نگیرد، ممکن است منافع بیمه‌گذار به خطر افتد و هزینه‌های سنگین‌تری را متوجه او کند؛ هزینه‌هایی، مثل شیفت اضافی، اضافه‌کاری، هزینه‌های تعمیرات و انتقال خط تولید به شرکت‌های دیگر تولیدی، خرید کالاهای نیمه‌تمام و یا تکمیل‌شده برای جلوگیری از دست‌دادن مشتری و کرایه ماشین‌آلات و ...، البته بیمه‌گذار ملزم است که قبل از صرف چنین هزینه‌هایی، برای دریافت توصیه و مشاوره، مراتب را به بیمه‌گر اطلاع دهد.

بیمه‌گران، ارائه بیمه‌نامه عدم‌النفع ماشین‌آلات را مشروط به اخذ بیمه‌نامه شکست ماشین‌آلات توسط بیمه‌گذار می‌کنند؛ لذا با جاری‌شدن دو نوع بیمه‌نامه، تعهدات بیمه‌گر هم برای خسارت‌های فیزیکی و هم به جهت ازدست‌دادن سود ناشی از توقف تولید، معین و مشخص می‌شود.

خسارت فیزیکی به ماشین‌آلات در مقایسه با ازدست‌دادن سود ناشی از وقفه در تولید به زمان بستگی ندارد. در خسارت‌های فیزیکی، حدود و ثغور خسارت برای بیمه‌گر مشخص و معین است و محدود می‌شود به جبران خسارت ماشین‌آلاتی که در

کارخانه، نصب و در حال بهره‌برداری است و به علت حادثه فیزیکی به ارقام و تجهیزات آن، صدمه وارد شده است؛ ولی در بیمه عدم‌النفع ماشین‌آلات به هر میزان که بین وقوع خسارت تا تعمیر و یا تعویض تجهیزات و ماشین‌آلات، فاصله زمانی ایجاد شود، بیمه‌گذار در اثر وقفه‌ای که در تولید کارخانه ایجاد می‌شود به دلیل محروم شدن از تولید، سود بیشتری را از دست می‌دهد و هزینه‌های بیشتری را به بیمه‌گر تحمیل می‌کند و همین عامل، دلیلی می‌شود که بیمه‌گر، محدودیت خاص زمانی را برای بیمه‌گذار تعیین می‌کند و این کار با تعیین کردن حد دوره جبران غرامت در بیمه‌نامه مشخص می‌شود و آن حداکثر زمانی است که بیمه‌گر، مسئول جبران خسارت ناشی از دست‌دادن سود و درآمد است. بدین ترتیب، می‌توان گفت: زمان جبران غرامت از تاریخی است که خسارت رخ داده و براساس نظر کارشناسان فنی در تولید اختلال ایجاد شده است و یا تولید، کاملاً متوقف گردیده است و تا زمانی که واحد تولیدی بار دیگر شروع به کار می‌کند، ادامه دارد؛ که حداکثر این دوره بیمه‌ای می‌تواند تا یک سال باشد (چنابل، ۱۳۷۷). لازم به ذکر است که چنانچه بیمه‌گذار بخواهد حد دوره جبران غرامت را برای مدتی بیش از یک سال تقاضا کند، در ابتدای صدور بیمه‌نامه، بیمه‌گر را آگاه و بیمه‌گر نیز براساس درخواست بیمه‌گذار، تغییراتی را در افزایش نرخ و شرایط بیمه اعمال خواهد کرد.

خسارت‌های قابل جبران در این بیمه‌نامه در چهار مقوله هزینه تولید، سود خالص، دستمزد و هزینه‌های اضافی طبقه‌بندی می‌گردد و در واقع برای تعیین سرمایه مورد بیمه در بیمه‌نامه عدم‌النفع ماشین‌آلات، پیش‌بینی رقم سود ناخالص براساس پیش‌بینی تولید محصول، حقوق و دستمزد قابل پرداخت در طول یک سال به کارکنان و عوامل در ارتباط با تولید، مخارج تجاری، نظیر هزینه‌های عمومی که جریان دارد، هزینه‌های اضافی که جهت جلوگیری از کاهش برگشت سرمایه در اثر حادثه و در خلال دوره جبران غرامت متوجه بیمه‌گذار است، مثل اضافه‌کاری، هزینه تعمیرات،

شيفت اضافی، انتقال توليد به شرکت‌های ديگر، خريد کالاهای نيمه‌تمام، کرایه ماشین‌آلات جانشين و استفاده از شبکه برق و گاز رسانی خارجی در صورت خرابی مولد برق یا گاز متعلق به بیمه‌گذار، مجموعاً عواملی هستند که می‌توانند در تعیین سرمایه مورد بیمه در بیمه‌نامه عدم‌النفع ماشین‌آلات در نظر گرفته شوند. بدین ترتیب بیمه‌گر را متعهد می‌کند که در هر مقطع از زمان و در هر محدوده از تاریخ پوشش بیمه‌ای، چنانچه حادثه‌ای برای بیمه‌گذار اتفاق بیفتد در چارچوب شرایط بیمه‌نامه رسیدگی و پرداخت شود (چنابل، ۱۳۷۷).

به دلیل پیچیدگی خاص این بیمه‌نامه و همچنین وسعت خسارت مادی آن در مقایسه با سایر بیمه‌نامه‌های اشیاء، بیمه‌گران برای پذیرش یا رد ريسک چنین بیمه‌نامه‌ای و برای این که ارائه این نوع بیمه‌نامه موفقیت‌آمیز باشد و بیمه‌گذار را در شرایط بحرانی پس از وقوع خسارت راضی نگه دارد، به‌ناچار، بیمه‌گر، تمهیداتی را برای تجزیه و تحلیل و در نهایت، ارزیابی خطر لحاظ می‌کند و عوامل زیر را مد نظر قرار می‌دهد:

- تأثیر شکست ماشین‌آلات مورد بیمه نسبت به سود ناخالص
- امکانات و پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده برای به حداقل رساندن خسارت
- تعداد، نوع و عمر مفید ماشین‌آلات بیمه‌شده
- مازاد زمانی دوره غرامت
- تأثیرات اوضاع جوی
- وضعیت سیاسی و اقتصادی محل بیمه‌شده در حوزه بازار کار (ملکوتی، ۱۳۸۴).

۳-۶-۳. بیمه عدم‌النفع تجهیزات الکترونیکی

شرکت‌هایی که دستگاه‌ها و تأسیسات وابسته به خدمات کامپیوتری، واحدهای خودکار و تجهیزات پیرامونی دارند، علاقه‌مندند که این تجهیزات فوق‌العاده حساس را در مقابل خسارت‌های احتمالی و در نتیجه، عدم‌النفع آن‌ها حفاظت کنند. حتی یک

خسارت جزئی در این زمینه - مانند خرابی یک قطعه الکترونیکی - موجب می‌شود که بخشی از یک سیستم رایانه‌ای عظیم، مانند تأسیسات ناوبری فرودگاه یا تمام سیستم حسابداری یک شرکت بزرگ که از طریق اینترنت در تمام دنیا به هم دیگر متصل است از کار بیفتد و در نتیجه، خسارتی هنگفت به آن شرکت وارد آید. بیمه عدم‌النفع تجهیزات الکترونیکی، خسارت بیمه‌گذار را در مقابل ازدست‌دادن منافع آن واحد تولیدی و یا خدماتی پرداخت می‌کند. در این حالت، بیمه عدم‌النفع، یک بیمه‌نامه تکمیلی به حساب می‌آید. این نوع عدم‌النفع، مخصوص واحدهایی است که مراحل تولید آنها، مستقیماً از طریق سیستم‌های کامپیوتری کنترل و سرپرستی می‌شود. این رشته از بیمه، معمولاً برای شرکت‌های خدماتی بزرگ، مانند مراکز کامپیوتری، تأسیسات آزمایشی پرتوایکس و... به کار می‌رود (چنابل، ۱۳۷۷).

۴-۶-۳. بیمه عدم‌النفع تمام‌خطر نصب

این بیمه‌نامه در واقع، عدم‌النفع مقدم را پوشش می‌دهد؛ این عدم‌النفع، زمانی اتفاق می‌افتد که دستگاه یا تجهیزات بیمه‌شده به دلیل خسارت‌هایی که در زمان نصب یا دوره آزمایش به آنها وارد آمده است باعث تأخیر در شروع تولید شده‌اند. بیمه عدم‌النفع مقدم، پروژه‌های صنعتی را در زمان نصب تجهیزات، قبل از این که شروع به تولید کنند، پوشش می‌دهد. در واقع، تعیین حوزه و بزرگی منافع ازدست‌رفته به دلیل تأخیر در نصب، بسیار مشکل است؛ زیرا هنوز حاصل واقعی کار دستگاه به دست نیامده است. افزون بر این، تشخیص درست این که تأخیر و معطلی معمول چه اندازه بوده است در عمل بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ بنابراین، بیمه عدم‌النفع نصب برای بیمه‌گران، خطری تلقی می‌شود که ارزیابی آن بسیار مشکل است و در نتیجه به تحلیل و بررسی بسیار دقیقی نیاز دارد (چنابل، ۱۳۷۷).

۵-۶-۳. بیمه عدم‌النفع توقف تأسیسات انرژی شهری

هرگونه وقفه در کار تأسیسات انرژی شهری، مثل برق، گاز، آب و ... به شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که از این انرژی‌ها جهت تولید استفاده می‌کنند، خسارت می‌زند و یا به‌طور کامل، کار آنها را تعطیل می‌کند. منافعی که به‌واسطه این توقف از دست خواهد رفت، یک نوع بیمه عدم‌النفع خاص پوشش می‌دهد. این پوشش بیمه‌ای به ویژه از آن جهت مهم است که این تأسیسات شهری، هیچ تعهدی را در مورد عواقب توقف در فعالیت خود (وقفه در جریان انرژی برق مانند زیان حاصل از سردشدن کوره برقی ذوب فلزات) نمی‌پذیرند. یک جنبه ویژه این بیمه‌نامه، آن است که علت خسارت وارد، بیرون از حیطه موضوع بیمه‌شده قرار می‌گیرد، یعنی خسارت در واقع بر اثر کار تأسیسات انرژی شهری به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، خطر مورد بحث در کارخانه یا شرکت تحت پوشش بیمه‌نامه اتفاق نیفتاده است بلکه از خرابی و نقص در تأسیساتی مانند نیروگاه‌ها، ترانسفورماتورها، دکل‌ها، خطوط لوله و انتقال انرژی یا دیگر تأسیسات فنی است.

۷-۳. شرایط عمومی قرارداد بیمه عدم‌النفع

۱-۷-۳. قصد و رضای طرفین

انشاء، رکن اصلی و اساس هر قرارداد معتبر است. عقد بیمه نیز با انعقاد قرارداد که معمولاً به صورت کتبی و امضای سند بیمه‌نامه انجام می‌گیرد، تحقق می‌یابد. انشای عقد عبارت است از ابراز اعتباری که در درون متعاقدين وجود دارد و حاکی از قصد و رضایت آن‌ها به انجام معامله است. انشای عقد به‌وسیله یا ابزار خاصی، مانند لفظ خاص یا مطلق لفظ، مقید نیست (خوئی، ۱۴۱۲).

همان‌گونه که می‌توان عقد را با انشای لفظی محقق ساخت با انشای فعلی (داد و ستد و نوشتن) نیز عقد پدید می‌آید. آنچه در اعتبار عقد شرط است، صدق عنوان عقد و معامله بر منشأ است؛ یعنی بر اعتبار ابرازشده متعاقدين از لحاظ عرفی، عنوان

عقد و معامله اطلاق می‌شود و به تعبیر اصطلاحی انشاء شده، به حمل شایع، مصداق عقد باشد. فرق نمی‌کند که آن عقد با لفظ، انشاء شود یا فعل (معاطات) و یا با هر وسیله و ابزار دیگری که صلاحیت انشای عقد به آن از نظر عرف وجود داشته باشد. بر این مبنا، فتوا داده‌اند که «صیغه عقد بیمه را می‌توان به هر زبانی اجرا کرد و یا قرارداد بیمه را روی کاغذ آورد و آن را امضاء کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵). البته در مورد قرارداد بیمه، شرط خاصی وجود دارد و آن این که قانون، اعتبار عقد بیمه را به سند کتبی و امضای آن موقوف کرده است. به موجب ماده ۲ قانون مدنی، عقد بیمه و شرایط آن باید به صورت سند کتبی انجام گیرد و اعتبار قانونی عقد بیمه بر امضای سند قرارداد بیمه (بیمه‌نامه) متوقف است. بیمه‌نامه که سند معامله و قرارداد بیمه است به صورت کتبی است و طرفین قرارداد از طریق آن، رضایت و قصد خود را اعلان می‌کنند و شبهه‌ای در این مورد باقی نمی‌ماند. ولی، ممکن است که رضای یکی از طرفین معلول شود که می‌تواند به دلیل اشتباه، اکراه، یا فریب باشد. با وجود بیمه‌نامه کتبی، فرض اشتباه در نوع عقد، موضوع معامله و جهت آن دور از ذهن نیست، البته با فرض امکان این نوع اشتباه، در عقد بیمه تأثیری ندارد؛ مگر نسبت به اشتباه در موضوع معامله که تحت شرایط خاصی، موجب فسخ می‌شود.

۲-۷-۳. اهلیت متعاقدين

۱-۲-۷-۳. اهلیت بیمه‌گر

به موجب ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب خردادماه ۱۳۵۰، عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام است و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند، انجام خواهد گرفت. ماده ۱ لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری که در تیرماه ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید، به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر کشور، کلیه مؤسسات بیمه کشور، ملی

اعلام شدند و اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تبیین نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بیمه را جزء بخش دولتی شناخته است. البته در چند سال اخیر، برخی شرکت‌های خصوصی بیمه با مجوز قانونی و تحت نظارت بیمه مرکزی ایران به فعالیت بیمه‌ای مشغول شده‌اند که پویایی و رقابتی‌شدن صنعت بیمه را در پی داشته است.

۲-۲-۳. اهلیت بیمه‌گذار

اصولاً هر شخص حقیقی یا حقوقی که اهلیت انعقاد قرارداد و انجام معامله را داشته باشد، می‌تواند با بیمه‌گر، قرارداد بیمه امضاء کند. ماده ۲۱۱ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «برای این که متعاملین، اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند». بیمه‌گذار باید علاوه بر اهلیت قانونی انجام معامله به شرح ماده فوق، دارای نفع بیمه‌ای نیز باشد. ماده ۶ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «هرکس بیمه می‌دهد، بیمه، متعلق به خود اوست؛ مگر اینکه در بیمه‌نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است...» پس فرض قانون، این است که هرکس قرارداد بیمه را منعقد کند، بیمه به وی تعلق دارد، مگر به خلاف آن تصریح شده باشد. به‌طور خلاصه، کلیه خصوصیات عاقد قرارداد و ذی‌نفع در وجود شخصی واحد جمع شده است؛ البته همواره وضع بدین قرار نیست و گاه اتفاق می‌افتد که بیمه‌گذار به‌عنوان نماینده صاحب‌مال و یا ذی‌نفع و یا مسئول حفظ اموال در قرارداد بیمه مداخله می‌کند (ایزدپناه، ۱۳۷۴).

۳-۳-۳. موضوع و عوضین قرارداد

بیمه‌شده می‌تواند مال، شخص و یا مسئولیت حقوقی باشد. ماده ۴ قانون بیمه، درباره موضوع بیمه می‌گوید: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد، اعم از عین یا منفعت، یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی...». موردی که بیمه می‌شود باید عقلایی و مشروع باشد و برای بیمه‌گذار، نفع بیمه‌ای داشته باشد و خلاف قانون و اصول اخلاق حسنه و نظم عمومی (منافع و مصالح جامعه) هم نباشد. درباره معلوم‌بودن موضوع از

آنجا که ماده ۳ قانون بیمه، ذکر صریح موضوع بیمه و حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است و میزان تعهد بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه را در بیمه‌نامه لازم شناخته است؛ لذا، عدم قید صریح هر یک در بیمه‌نامه، اصل معلوم بودن موضوع قرارداد را مخدوش خواهد کرد.

به نظر می‌رسد که عوضین در بیمه از سوی بیمه‌گذار، پرداخت حق و قسط بیمه است و از سوی بیمه‌گر، تعهد به پرداخت خسارت است. حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار می‌پردازد به منزله ثمن معامله است و در صورت اقساطی بودن بیمه - که معمولاً در بیمه‌های طولانی مدت انجام می‌گیرد - از حق بیمه به قسط بیمه نیز تعبیر می‌شود. از ناحیه بیمه‌گر، چیزی که در برابر عوض حق بیمه قرار می‌گیرد، تعهد بیمه‌گر است که در تعریف عقد بیمه (ماده ۱ قانون بیمه) نیز بر آن تأکید شده است. بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار یا خریدار بیمه تعهد می‌کند که خسارت را جبران کند و در بیمه‌های اشخاص، مبلغ معینی را بر حسب مورد توافق، به بیمه‌شده یا شخص ثالث بپردازد. آنچه از ناحیه بیمه‌گر قطعی است، تعهد به پرداخت خسارت یا دادن وجه معینی است؛ اما نفس پرداخت خسارت (در بیمه‌های اموال) و دادن وجه معینی (در بیمه‌های اشخاص) از ناحیه بیمه‌گر، قطعی است؛ زیرا، پرداخت مبلغ بیمه‌ای، معلق بر وقوع حادثه‌ای احتمالی است؛ بنابراین، عوضین در عقد بیمه، تعهد و مال است؛ یعنی تعهد بیمه‌گر با پرداخت حق بیمه مبادله می‌شود؛ با این توجیه که تعهد، امری ارزشمند است و ارزش اقتصادی دارد؛ زیرا عقیلاً به آن اقدام می‌کنند و آن را قابل تقویم مالی می‌دانند (محمود صالحی، ۱۳۸۱).

۴-۷-۳. مشروعیت جهت قرارداد

در عقد بیمه، مانند دیگر معاملات نیز شرط است که جهت معامله باید مشروعیت داشته باشد. انگیزه و علتی که موجب انجام معامله می‌شود و مقصود اصلی و هدفی که معامله برای نیل به آن واقع می‌شود، جهت معامله نامیده می‌شود (محمود صالحی،

۱۳۸۱). انعقاد هرگونه قرارداد بیمه‌ای که به منظور و هدفی غیرقانونی و نامشروع و رواج فساد و برخلاف اخلاق، منافع و مصالح جامعه (نظم عمومی) انجام گیرد و اهدافی مغایر با روح کلی جامعه داشته باشد، باطل و بلااثر تلقی می‌شود (عرفانی، ۱۳۷۱). البته جهت معامله و انگیزه شخصی از انجام آن، لازم نیست در معامله ذکر شود؛ اما اگر جهت معامله در عقد تصریح شود باید مشروعیت داشته باشد.

۳-۸. شرایط اختصاصی قرارداد بیمه عدم‌النفع

۳-۸-۱. وقوع خسارت مادی

شرط اصلی پرداخت خسارت در بیمه عدم‌النفع، توقف تولید بر اثر خسارت مادی است؛ بنابراین، هرگونه توقف تولید، نمی‌تواند مصداق تحقق خسارت محسوب شود و بیمه‌گذار نمی‌تواند به واسطه بروز آن، متقاضی درخواست غرامت از بیمه‌گر باشد؛ زیرا در برخی موارد، عواملی باعث توقف تولید می‌شوند که خارج از قاعده و تجربه هستند و بیمه‌گر نمی‌تواند امکان تحقق آنها را در ارزیابی خطر پیش‌بینی کند. البته توجه به این عوامل و شناخت بیشتر نسبت به خطرات و حوادث با توجه به نوع فعالیت و تولید از یک سو و توجه به پیشرفت‌ها و روش‌های جدید تولید که فرآیند تولید نیز متأثر از آن است و مبتنی بر دانش روز است از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت توجه به بیمه‌نامه‌های عدم‌النفع را بیش‌ازپیش مطرح می‌کند.

قبل از آن که بیمه‌نامه خسارت عدم‌النفع اجرائی شود، باید خسارت مادی ناشی از توقف عملیات روی دهد که بر فعالیت تولیدی اثر گذارد. تا زمانی که تجهیزات مناسبی برای جایگزینی اموال آسیب‌دیده در دسترس نباشد، جایگزینی اموال آسیب‌دیده به تأخیر خواهد افتاد و یا حتی ممکن است، شروع مجدد مشکل باشد. معمولاً اموال را تحت بیمه‌نامه آتش‌سوزی و خطرهای اضافی پوشش می‌دهند. بیمه‌گر با وجوهی که از این بیمه‌نامه‌ها در اختیار دارد، می‌تواند به راه‌اندازی مجدد آن واحد آسیب‌دیده کمک کند. بیمه‌گر، افزایش در هزینه‌های ثابت جذب‌نشده و

عدم‌النفع ناشی از کاهش تولید یا فروش را تحت بیمه‌نامه عدم‌النفع جبران خواهد کرد. این بیمه‌نامه یک شرط ضمن عقد بسیار مهم دارد که براساس آن، اگر جریان تولید بر اثر بروز خطر تحت پوشش بیمه‌نامه مجزا - که برای خسارت مادی است - متوقف نشده باشد، بیمه‌نامه عدم‌النفع، کاربردی نخواهد داشت و بیمه‌گر نیز در مورد خسارت تعهدی ندارد (Shukla, 1987).

۲-۸-۳. شرط ارائه کامل اطلاعات

از علل اصلی عدم‌رشد و توسعه بیمه عدم‌النفع، دشواری تخمین و ارزیابی خسارت است. بیمه‌گذار، موظف است که در هنگام عقد قرارداد و در جریان آن، کلیه اطلاعاتی را که درخصوص مورد بیمه دارد و مؤثر در تصمیم بیمه‌گر است با کمال درستی و صداقت اظهار کند. به‌طوری‌که بیمه‌گر با بهره‌گیری از این اطلاعات، بتواند اهمیت خطری را که مورد پوشش قرار می‌دهد، تشخیص دهد.

یکی از شروط این بیمه‌نامه، ارائه اطلاعات و حسن‌نیت در آن است. شرط مزبور، چنین ذکر می‌شود که چنانچه بیمه‌گذار در توصیف مورد بیمه تدلیس کند یا از ارائه کامل اطلاعات مؤثر در بیمه‌نامه خودداری کند، بیمه‌نامه، قابل ابطال خواهد بود. این شرط به سادگی، قدرت و اختیار کاملی به بیمه‌گر می‌دهد که چنانچه نسبت به ارائه اطلاعات از سوی بیمه‌گذار تخلفی را مشاهده کرد، بتواند به خاطر رفع ضرر، بیمه‌نامه را باطل کند. به‌رحال، توجه داشته باشید که این شرط، قرارداد را باطل نمی‌کند؛ بلکه اختیار ابطال را به بیمه‌گر می‌دهد (Walmsley, 1992).

۹-۳. مشکلات علمی بیمه عدم‌النفع

۱-۹-۳. نقص قوانین

اساساً، قوانین در زمینه حقوق بیمه، نه تنها از جامعیت لازم برخوردار نیست؛ بلکه حتی همین قوانین هم در مرحله اجراء، بسیار ضعیف است و به جهت تفاسیر مختلفی که از آن به عمل می‌آید، مسائل پیچیده امروزی را به نحو مطلوبی تبیین

نمی‌کند و راه‌حل مناسبی ارائه نمی‌دهد؛ از این رو، لازم است که قوانین و آئین‌نامه‌های اجرائی مناسبی در مورد بیمه عدم‌النفع براساس تجربیات جوامع پیشرفته تدوین و حسب تغییرات اجتماعی و اقتصادی، مورد بازنگری قرار گیرند.

۳-۹-۲. ضعف تحقیقات علمی

اساساً، عدم اهتمام جدی به مباحث بیمه‌ای در مراکز علمی و پژوهشی از مشکلات علمی قراردادهای بیمه‌ای در کشور محسوب می‌شود، به‌طوری‌که در غالب دانشکده‌های حقوق کشور، درس حقوق بیمه به‌طور جدی تدریس نمی‌شود و این درس، جزء واحدهای اختیاری رشته حقوق محسوب می‌شود و این مبین عدم توجه کافی به این رشته حقوقی است و حال آن‌که حقوق بیمه در اکثر کشورهای اروپایی از جمله مباحث جدی دانشکده‌های حقوق است و تألیفات متعددی در رشته‌های مختلف بیمه‌ای نگاشته شده است. اما در کشور ما، نه قانون خاصی به این قسم از بیمه اختصاص داده شده و نه کتابی تحت این عنوان نوشته شده است.

۳-۹-۳. فقدان سیستم نظارتی

در برخی موارد، نظارت کافی بر اجرای مقررات و قوانین مصوب اعمال نمی‌شود. به‌عنوان نمونه برای صدور مجوز استاندارد و پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی، مجموعه‌ای از الزامات قانونی وجود دارد، اما نظارت بر تداوم رعایت این استانداردها، معمولاً به نحو مناسبی صورت نمی‌گیرد. نظارت بر نحوه فعالیت‌های واحدهای تولیدی، می‌تواند تولیدکنندگان را به استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای ترغیب سازد.

۳-۹-۴. تردید در مشروعیت مطالبه عدم‌النفع

از دیرباز، فقهای امامیه در خصوص مشروعیت مطالبه عدم‌النفع اختلاف نظر داشتند و این اختلاف نیز با تصویب قوانین متعارض در برهه‌های زمانی متفاوت گسترش یافته است. با این وجود، امروزه هنوز نسبت به مطالبه عدم‌النفع اتفاق نظری وجود ندارد و

رویه قضایی ثابتی هم در این زمینه دیده نمی‌شود؛ لذا، پذیرش بیمه عدم‌النفع به شکل امروزی آن با مخالفت‌هایی روبه‌رواست.

۳-۱۰. مشکلات عملی بیمه عدم‌النفع

۳-۱۰-۱. عدم ارائه اطلاعات مالی شرکت

از مشکلات عملی توسعه بیمه عدم‌النفع در کشور ما، اعتقاد مدیران به عدم ارائه اطلاعات و آمار و ارقام صورت‌های مالی و ترازنامه سود و زیان‌شان است؛ در واقع در پرداخت خسارت، این اطلاعات به‌عنوان مستند و پایه ارزیابی میزان خسارت مورد استفاده کارشناسان بیمه قرار می‌گیرد. از این‌رو، شرکت‌های بیمه در پرداخت خسارت باید به عامل بازدارنده یادشده توجه داشته باشند و جهت حل این مشکل باید از طریق شبیه‌سازی در رشته‌های گوناگون بیمه‌ای مانند بیمه آتش‌سوزی و یا شکست ماشین‌آلات، خسارت‌ها را به صورت واقعی مشخص کنند.

۳-۱۰-۲. ارزیابی خسارت

در بیمه منافع یک بنگاه اقتصادی، تنها مسئله اعتماد به مدیران و صاحبان آن بنگاه اقتصادی در ارائه اطلاعات کافی نیست، بلکه نظم و انضباط مالی، نحوه نگهداری حساب‌ها و دفاتر ثبت اموال به شکل صحیح و قانونی، خود جزء اسباب اعتماد است. اساساً برای این که بیمه‌گر بتواند منافع یک بنگاه تولیدی را بیمه عدم‌النفع نماید، لازم است با مراجعه به سوابق و بیلان‌های کاری و نیز دفاتر تجاری آن مؤسسه، پیشینه درآمدی آن بنگاه را استخراج کند و این در حالی است که علی‌رغم فقدان کارشناسی خبره و ماهر، برخی بنگاه‌ها نیز با محافظه‌کاری تمام و بعضاً تغییر ارقام و اعداد در دفاتر تجاری، سعی در پنهان‌کاری و کسب درآمد دارند. در واقع با خدشه در اصل مترقی حسن‌نیت، از این طریق به کسب درآمد نامشروع می‌پردازند. ایجاد چنین فضای ناسالمی، منجر به سختی تخمین خسارت و سردرگمی بیمه‌گر در ارزیابی آن خواهد شد.

۱۱-۳. راهکارهای عملی جهت توسعه بیمه عدم‌النفع

نگارنده این مقاله با توجه به مشکلات موجود، راه‌کارهای زیر را ارائه می‌دهد:

- نقص و فقدان قوانین و مقررات مدون و جامع - مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر حقوقی - اولین مشکل در زمینه بیمه عدم‌النفع است. این مشکل از یک طرف به نقص قانون بیمه به‌طور عام مربوط است، زیرا این قانون از زمان تصویب آن در سال ۱۳۱۶، مورد اصلاح و بازنگری قرار نگرفته و در زمینه‌های مختلف به ویژه بیمه عدم‌النفع ناقص است که با وجود اهمیت فوق‌العاده آن در جبران خسارت فرد متضرر، مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است؛ از طرف دیگر، فقدان مقررات قانونی در زمینه بیمه عدم‌النفع به‌طور خاص، مزید بر علت است؛ لذا در جهت رفع این مشکل لازم است با در نظر گرفتن نتایج بررسی حقوق‌دانان و فقهاء به همراه نظرات فنی کارشناسان بیمه، لایحه اصلاح قانون بیمه به‌طوری که احکام، شرایط و آثار بیمه عدم‌النفع در آن مورد توجه قرار گرفته باشد از طرف شورای عالی بیمه تهیه شود و به تصویب قانون‌گذار برسد و یا این که قانون مستقلاً با عنوان بیمه عدم‌النفع تصویب شود.

- فقدان شرایط هماهنگ و استاندارد بین شرکت‌های بیمه، مشکل دیگری است که علاوه بر فقدان قانون مدون و مصوبه خاص در این زمینه، ناشی از عدم آشنایی با ابعاد گوناگون این مسئله است. راه حل این مشکل این است که در مراکز علمی و دانشکده‌های حقوق نسبت به این مسئله توجه شود و با انجام مطالعات و بررسی‌های لازم، شرایط اختصاصی هر نوع بیمه و عواملی که در آن مؤثر است و آثار این شرایط در زمینه‌های گوناگون تبیین شود. واقعیت این است که بیمه عدم‌النفع از جوامع غربی وارد قلمرو حقوق ما شده است و مسلماً هر تأسیس خارجی در کشور دیگر نمی‌تواند به همان صورت که اقتباس شده، کارائی داشته باشد و اگرچه در مراحل، پاسخگوی نیاز جامعه باشد؛ ولی برای دوام آن در درازمدت لازم است به صورت یک تأسیس ملی و مطابق با سابقه حقوقی آن کشور درآید و در مرحله دوم لازم

است، مطالعات انجام شده در این زمینه را ارج نهند و از نتایج حاصل از مطالعات مراکز علمی و حقوقی در زمینه تدوین مقررات مورد نیاز و ارائه پوشش‌های بیمه‌ای متناسب با نیازهای مردم بهره بگیرند.

- از مشکلاتی که شرکت‌های بیمه در عمل با آن مواجه هستند، فقدان آمار صحیح و مدون است. وجود سیستم آماری به شکل منسجم، می‌تواند به بیمه‌گر در پذیرفتن و یا رد خطر و ریسک کمک کند. تهیه تعرفه علمی براساس آمار و اطلاعات کارشناسی دقیق برای تعیین نرخ عادلانه حق بیمه نسبت به هر بنگاه اقتصادی به شکل مجزا از راه‌کارهای حل این مشکل است؛ لذا، می‌توان کلیه مشخصات بیمه‌نامه و خسارت را به صورت برنامه‌های نرم‌فزاری و با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری طبقه‌بندی کرد و با توجه به وضعیت خاص هر مورد بیمه به ارزیابی ریسک و خطر پرداخت؛ سپس براساس آن، تحلیل کارشناسی ارائه داد و با تهیه جدول و تعرفه به صورت منسجم، نرخ و شرایط را تعیین و به واحدهای فنی ارائه کرد. این عمل موجب می‌شود که حق بیمه به صورت علمی و فنی ارزیابی شود و طرفین قرارداد بیمه‌نامه، متضرر نگردند و در نهایت منجر به توسعه چنین بیمه‌نامه‌ای در صنعت بیمه کشور می‌شود.

- با توجه به این که فعالیت شرکت‌های بیمه در زمره فعالیت‌های خدماتی قرار دارد، فروش بیمه‌نامه‌ها به دانش خاص نیازمند است؛ بنابراین وجود افراد متخصص و ماهر متناسب با فعالیت‌های بیمه‌ای در مؤسسات بیمه، شعب بیمه‌ای کشور، کارگزاران و نمایندگان رسمی بیمه، الزامی و ضروری است. این ضرورت در بیمه‌های عدم‌النفع، بیشتر ملموس است. در این رشته، علاوه بر این که کارشناسان و مدیران در زمینه بیمه عدم‌النفع از ضعف دانش فنی برخوردارند، در بین شعب بیمه‌ای و کارگزاران و نمایندگان بیمه، این ضعف کاملاً محسوس است. شاید بتوان گفت که

کم‌ترین فعالیت در رشته‌های بیمه‌ای، متوجه بیمه عدم‌النفع است و این از تعداد صدور چنین بیمه‌نامه‌ای محرز است!

- برای ارائه خدمات بیمه باید شبکه فروش را به ویژه از طریق تأسیس شعب در شهرهای بزرگ و کوچک توسعه داد. با این کار می‌توان پس از ایجاد شعبه‌های مختلف در کشور با اعطای اختیارات کافی به آنها، عملاً ظرفیت ادارات مرکزی را برای وظایف راهبردی آزاد کرد. مسأله دیگر برای افزایش شبکه فروش، توسعه نمایندگی‌های بیمه است. شبکه نمایندگی شرکت‌های بیمه به‌طور سنتی، اختیارات بسیار محدودی در خصوص ارائه خدمات بیمه‌ای و صدور بیمه‌نامه دارند و به موازات رشد نسبی بیمه در کشور و استقبال مردم از بیمه به‌نظر می‌رسد که تأمین رضایت بیمه‌گذاران و تداوم و توسعه بیشتر بیمه ایجاب می‌کند که به این بخش از صنعت بیمه که به‌صورت خصوصی نیز اداره می‌شود، توجه خاصی مبذول شود تا دسترسی آسان مجریان پروژه‌ها به اخذ پوشش بیمه عدم‌النفع و آشنایی آنها با این نوع بیمه از این طریق انجام گیرد.

منابع

۱. ایزدپناه، مسیح ۱۳۷۴، جزوه درسی حقوق بیمه، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۳۵.
۲. بهرامی احمدی، حمید ۱۳۶۶، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، تهران، چ ۱، ص ۲۳۹.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۶۰، تاریخ حقوق ایران، انتشارات معرفت، تهران، ص ۳۰۳.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۷۲، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چ ۶، ص ۴۱۶.
۵. جلالی، احسان ۱۳۸۴، 'بررسی ساختار بیمه عدم‌النفع و عوامل مؤثر بر تقاضای آن'، پیام بیمه، ص ۶۷.
۶. چنابل، ویلفرد ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر بیمه‌های مهندسی، ترجمه نوری، مصطفی، بیمه مرکزی، ص ۵۹.

۷. خوئی، سیدابوالقاسم ۱۴۱۲، *المصباح الفقاهه*. ج ۳، دارالهادی، بیروت، ص ۱۱۸.
۸. ره پیک، سیامک ۱۳۸۱، 'خسارت عدم النفع؛ نظرات و مقررات'، *مجله دانشکده علوم قضائی*، ص ۳۵.
۹. طباطبایی، سیدعلی ۱۴۱۴، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، بحث الضمان، ص ۵۹۸.
۱۰. عدل، مصطفی ۱۳۷۳، *حقوق مدنی*، بحر علوم، تهران، ص ۱۳۴.
۱۱. عرفانی، توفیق ۱۳۷۱، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، انتشارات کیهان، تهران، چ ۱، ص ۵۳.
۱۲. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۲، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، دانشگاه تهران، چ ۳، ص ۲۴۲.
۱۳. کریمی، آیت ۱۳۷۱، *بیمه اموال و مسئولیت*، دانشکده امور اقتصادی، ج ۲، ص ۲۴۳.
۱۴. کریمی، آیت ۱۳۷۸، *پرسش و پاسخ جامع بیمه‌ای*، بیمه مرکزی ایران، چ ۱، ص ۲۴۷.
۱۵. کریمی، آیت ۱۳۷۹، *مبانی علمی و نظری بیمه‌های اموال*، بیمه مرکزی ایران، تهران، ص ۲۳۰.
۱۶. کریمی، آیت ۱۳۸۲، *کلیات بیمه*، بیمه مرکزی ایران، تهران، چ ۷، ص ۱۹۰.
۱۷. محقق داماد، سیدمصطفی ۱۳۸۲، *قواعد فقه: بخش مدنی*، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۰، ص ۷۶.
۱۸. محمودصالحی، جانعلی ۱۳۸۱، *حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث*، بیمه مرکزی، چ ۳، ص ۳۲.
۱۹. مراغه‌ای، میرفتاح ۱۴۱۸، *العناوین*، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه بجماعه المدرسین بقم المشرفه، ج ۱، ص ۳۰۸.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۷۵، *توضیح المسائل*، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ص ۲۱۰.
۲۱. ملکوتی، کاظم ۱۳۸۴، 'آشنایی با بیمه عدم النفع ماشین‌آلات'، *پیام بیمه*، ص ۱۹.
۲۲. میهن‌یار، محمد ۱۳۶۶، 'بیمه ماشین‌آلات صنعتی'، *فصلنامه بیمه مرکزی ایران*، ش ۱، ص ۸۵.
۲۳. نائینی، میرزا محمدحسین ۱۴۱۸، *منیه الطالب*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۲، ص ۱۹۸.
24. Shukla, RCN 1987, *Industrial insurance and loss prevent*, McGraw-Hill Publishing Company Limited, New Delhi.
25. Walmsley, RM 1992, *Business interruption insurance*, The Chartered Insurance Institute, London.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني